

اسطوره اخلاق پزشکی در شهر مشهد؛ مرحوم دکتر مرتضی شیخ

مشغول شستن و ضد عفونی کردن سر نوشابه‌های فلزی است. وقتی علت این کار را از پدرش سؤال کرد، دکتر شیخ پاسخ داد: "دخترم! بیماری که نزد من می‌آیند، بهتر است از سر نوشابه‌های تمیز استفاده کنند تا آلودگی را از جاهای دیگر به مطب نیاورند. سرنوشابه‌های تمیز را آخر شب در اطراف مطب می‌ریزم که مراجعین نیازمند از این سرنوشابه‌ها استفاده کنند." دکتر شیخ معمولاً از موتور سیکلت برای تردد استفاده می‌کرد و علت آن را اینچنین بیان می‌کرد: "خانه بیمارانی که من به دیدن آنها می‌روم، آن قدر پیچ در پیچ است و کوچه‌های تنگ دارد که هیچ ماشینی نمی‌تواند از آن‌ها عبور کند." دکتر شیخ در سال ۱۳۵۲ در بستر بیماری افتاد اما مردم به طور خودجوش برای سلامتی او مجالس دعا برپا کردند. عکس‌هایی که از آن زمان باقی مانده است، نشان می‌دهد که او در بستر بیماری نیز مشغول معاینه و معالجه بوده است. دکتر شیخ سرانجام در سال ۱۳۵۵ درگذشت و چون مراسم تشییع وی با شهادت امام رضا (ع) همزمان شد، مراسم تشییع با شکوه و کم نظیری برگزار شد. شرکت‌کنندگان در دسته‌های سوگواری شهادت امام رضا (ع) نیز به گروه عزاداران مرحوم دکتر شیخ پیوستند. اگرچه ایشان سفارش کرده بودند که وی را در قبرستان عمومی شهر دفن کنند، اما وقتی استاندار خبر حضور انبوه مردم در مراسم تشییع دکتر شیخ را شنید، دستور داد که پیکر ایشان را در حرم مطهر امام رضا (ع) به خاک بسپارند. به این ترتیب محبت مردم، توفیق و سعادت همجواری با حضرت رضا (ع) را نصیبش کرد. اینگونه عشق به مردم در نهادش ریشه دوانده بود و طبیب روح و جسم بیماران شد. زندگی دکتر شیخ شبیه افسانه‌ای است که چشمانش جز درد و سختی مردمان بی‌بضاعت چیزی را شاهد نبود. امید است رهروان راهش فزونی یابند.

با سپاس از جناب آقای جمشید قشنگ در تهیه این مطلب



بیشتر اوقات سر نوشابه درآمد ایشان بود. دکتر شیخ از مردم پول نمی‌گرفت و هر کس هر آنچه می‌خواست، در صندوقی که کنار میز دکتر بود می‌انداخت و چون مبلغ ویزیت دکتر پنج ریال (بسیار کمتر از حق ویزیت دیگر پزشکان آن زمان) بود، بیشتر مواقع، سر فلزی نوشابه را به جای پنج ریالی داخل صندوق می‌انداختند تا صدایی مانند انداختن پول شنیده شود. روزی دختر دکتر شیخ متوجه شد که پدرش

مرحوم دکتر مرتضی شیخ از جمله کسانی است که در تاریخ خراسان به ویژه مشهد به عنوان الگو برای جامعه پزشکی معرفی می‌شود. پزشکی مشهوری که بیش از آنکه به عنوان یک طبیب حاذق شناخته شود، در حافظه تاریخی مشهد یادآور روحیه خدمت‌گذاری و خیرخواهی است. پزشک انسان‌دوستی که عاشق و شیفته حرفه خود و کمک به انسان‌ها بود. دکتر مرتضی شیخ در سال ۱۲۸۶ خورشیدی در تهران متولد شد. از سال ۱۳۰۵ به مدت دو سال در بیمارستان بلدیه تهران به عنوان دستیار پزشک مشغول به خدمت شد. در سال ۱۳۱۱ موفق به اخذ مدرک پزشکی از دانشکده طب ایران گردید. پس از اشتغال در بهداری ماکو آذربایجان (سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۲) و بهداری استان سیستان و بلوچستان (سال ۱۳۱۳ تا ۱۳۱۶) به مشهد مهاجرت کرد. از سال ۱۳۱۶ در شهرداری مشهد مشغول به خدمت شد و سپس از سال ۱۳۱۷ تا بازنشستگی (سال ۱۳۴۰) در کارخانه قند آبکوه خدمت کرد.

نسب او به شیخ حر عاملی می‌رسد. پدرش، میرزا محمود خان، اصالتاً از زرگران اصفهانی بود که مدتی در دربار ناصرالدین‌شاه به جواهرسازی مشغول شد. برادرزاده محمود خان، پزشک دربار ناصرالدین‌شاه و متخصص چشم بود. ظاهراً ناصرالدین‌شاه به درد چشمی مبتلا می‌شود. ایشان درمانش می‌کند و شاه دستور می‌دهد که دیگر از دربار بیرون نرود. برادرزاده دیگر، دکتر ابوالحسن شیخ است که رئیس دانشگاه شیمی تهران بود. ایشان شیمی نوین دانشکده علوم تهران را بنیان گذاشته و چندین کتاب در زمینه‌ی شیمی نوین دارد. دکتر غلامرضا شیخ، برادرزاده سوم، اولین متخصص قلب تهران بود. اجداد مرحوم دکتر شیخ در زمانی که پزشک در ایران کمیاب بوده است، به حرفه پزشکی مشغول بودند.

پزشکی شریف و وفادار به سوگند پزشکی، چنان روح انسانی را والا مقام می‌دانست و مادیات در نظرش جایی نداشت که در دوره‌ای که همگان از درآمد طبابت در آرامش و آسایش می‌زیستند،